

## ❖ سراینده‌ی پندنامه کیست؟ ❖

### مینو فطوره‌چی<sup>۱</sup>

#### ◆ چکیده

پند و اندرز یکی از زمینه‌های اصلی ادب فارسی است که از دیرباز شاعران و نویسندگان ایرانی، در خلال متون نظم و نثر بسیار بدان پرداخته‌اند. اندرزنامه‌ها از دیرینه‌ترین آثار اخلاقی و یکی از جلوه‌های ملموس فرهنگ جامعه‌اند که در چارچوب ادبیات آموزشی جای دارند و انسان را به تنظیم رفتارهای اجتماعی و اندیشیدن درباره‌ی کردار خود واداشته و بر آن می‌دارند تا چگونه انسان شدن را دریابد. مثنوی پندنامه که از دیرباز به نام شیخ فریدالدین عطار شهرت یافته است، آوازه‌ای جهانی دارد و به زبان‌های اردو، تازی، ترکی و هندی ترجمه و شرح شده و همه‌جا به پندنامه‌ی عطار معروف است. عطار در آثارش نه اثر منظوم از خود برمی‌شمارد ولی از پندنامه نامی نبرده است. برخی ادبا انتساب قطعی آن را به عطار مورد تأمل قرار داده و برخی دیگر بر این باورند که در انتساب آن به عطار نباید تردید کرد. در این مقاله سعی بر آن بوده است که با بررسی این اثر ارزشمند اخلاقی از جنبه‌های گوناگون، گامی فراتر در جهت اثبات انتساب پندنامه به شیخ فریدالدین عطار برداشته شود.

#### کلید واژه‌ها:

پند و اندرز، عطار، پندنامه، زبان، سبک‌شناسی.

## ◆ مقدمه

اندرزها، کانون اصلی اندیشه های اخلاقی اند و انسان را به تنظیم رفتارهای اجتماعی و اندیشیدن درباره ی کردار خود وامی دارند، تا آنچه را فرهنگ اخلاقی جامعه نادرست می انگارد سرکوبد. اخلاق موجود در متون فارسی مبتنی بر اندرز است و محتوای سرشار کتب حکمت و اندرزنامه ها، نمایانگر دستمایه های اخلاقی ادبیات فارسی است. سنت اخلاقی موجود در ادبیات بر آن است تا با شناساندن مضامین متداول در فرهنگ خود، بر ارزشمندی آنها و توان انسان در رسیدن به پاکی کامل تأکید کند. مجموعه ی اندرزنامه های کهن، شامل گفتارها و پندهای ماراسپندان، اندرزنامه ی خسرو قبادان، پندهایی ما راسپندان، اندرزنامه ی خسرو قبادان از بزرگمهر حکیم، انوشیروان، اردشیر و لقمان حکیم، همچنین اندرزهای برگرفته از آداب و سنن اسلامی شامل احادیث نبوی و اندرزهای منسوب به امیرالمؤمنین علی (ع)، و نیز اندرزهای حکما و بزرگان یونانی چون بقراط، ارسطو، اسکندر، افلاطون و بسیاری دیگر است. آثار شعریایی چون رودکی، ابوشکور بلخی، دقیقی، ابوالفتح بستنی، فردوسی، ناصرخسرو، انوری، سعدی، سنایی، عطار، مولوی و دیگر شاعران و نویسندگان، آکنده از نصایح و مواعظ است. در گذشته کتاب هایی با عنوان «پندنامه» به نظم یا نثر وجود داشته است. مانند جاویدان خرد، مینوی خرد، چنانکه قابوسنامه ی عنصرالمعالی نصیحت نامه نیز نامیده شده است، و از بوستان سعدی هم با عنوان پندنامه یاد کرده اند. یکی از پندنامه های موجود، مثنوی پندنامه ای است که از دیرباز به نام عطار معروف شده است.

## ◆ ویژگیهای پندنامه

پندنامه منظومه ی اخلاقی در قالب مثنوی است که با حمد و ستایش باری تعالی آغاز می شود و شاعر با اشاره به داستان زندگی عالی مرتبه ترین انسان ها، یعنی پیامبران، بر کمال

قدرت حق تاکید می کند. سپس به نعت سیدالمرسلین حضرت محمد (ص) می پردازد و آن حضرت را حبیب خدا و اصل خلقت و غایت آفرینش، و جهان را پرتو وجود و طفیل هستی او می شمارد، و همه‌ی عالم را سجده گاه او دانسته و وی را خیرالناس یا بهترین مردمان خطاب می کند. سپس بابی در فضیلت ائمه‌ی دین می پردازد، و در بابی دیگر با مناجات به جناب مجیب الدعوات دست به زاری برمی دارد و از او می خواهد تا از گناهانش درگذرد و با نور ایمان از جهان فانی به دنیای باقی هدایت کند.

پندنامه مشتمل بر حدود ۹۰۰ بیت است که به زبانی ساده و راه برنده به مقصود سروده شده است. اندرزها در ۸۰ باب آمده اند و هر باب مخصوص است به پندی. پندها به وجه اخباری یا امری بیان شده اند و ترتیبی درونی دارند. در بیشتر موارد بیت اول با خطاب هایی چون ای عزیز، ای وحید، ای برادر، ای پسر، ای خلیل، ای صاحب نفس و... آغاز گشته است و شاعر دو، سه، چهار، پنج، شش و یا هشت شرط را برای ترک صفات بد برشمرده تا آنچه را که از دیدگاه اخلاق در نظر مهم می آمده است به همگان گوشزد کند.

### ◆ نظر ادبا و محققان درباره‌ی انتساب پندنامه به عطار

برخی از ادبا و محققان پندنامه را از آثار مسلم عطار دانسته، و بعضی دیگر انتساب قطعی آن را به وی مورد تأمل قرار داده اند، و پاره ای دیگر پندنامه را سروده‌ی وی ندانسته اند. سعید نفیسی، سید ضیاءالدین سجادی، فؤاد رحمانی، هرمان اته<sup>۱</sup> و هلموت ریتز<sup>۲</sup> پندنامه را از آثار مسلم عطار شناخته اند.

سعید نفیسی درباره‌ی شصت و شش اثر منسوب به عطار تحقیق کرده، سپس آثار اصلی او را دوازده اثر دانسته و پندنامه را در شمار این آثار آورده است و می گوید:

در زبان فارسی سه تن عطار تخلص کرده اند، یکی فریدالدین ابوحامد محمد ابن ابوبکر

1-Herman Ethe'

2-Helmut Ritter

ابراهیم ابن ابویعقوب اسحق بن ابراهیم عطار نیشابوری، متوفی در ۶۱۷ است که اسرارنامه و الهی نامه و پندنامه و خسرونامه و دیوان قصاید و غزلیات و مختارنامه و مصیبت نامه و منطق الطیر و تذکره الاولیا از اوست، و سه کتاب دیگر هم داشته به نام مظهرالصفات و جواهرنامه و شرح القلب که معلوم نیست از میان رفته است یا نه. دوم زین الدین محمّن بن ابراهیم ابن مصطفی ابن شعبان عطار همدانی که از مردم زنجان بوده و در ۷۲۷ کشته شده و ترجمه‌ی الاحادیث یا مواعظ و کنزالحقایق و کنزالاسرار و مفتاح الفتوح از اوست. سوم فریدالدین محمد عطار تونی مشهدی که در قرن نهم در شهر مشهد می زیسته و اشترنامه یا شترنامه و بلبل نامه و بیسر نامه و جواهرالذات و حلاج نامه یا هیلاج نامه یا منصورنامه و خیاطنامه و سی فصل و گل و هرمز و لسان الغیب و مظهرالعجایب و معراج نامه و وصلت نامه را او گفته است. (نفیسی، ۱۳۲۰: ۶)

دکتر سیّد ضیاءالدین سجّادی نیز در مقاله‌ی با عنوان «پندنامه‌ی عطار و چند اثر منسوب به او» می نویسد:

در انتساب پندنامه به شیخ فریدالدین عطار نباید تردید کرد و باید این اثر را از او دانست، زیرا بیانش به شیوه‌ی سخن اصلی عطار بسیار نزدیک است و مطالب آن هم می تواند از عطار باشد. این مثنوی آوازه‌ی جهانی دارد و به زبان های اردو، تازی، ترکی و هندی ترجمه و شرح شده و همه جا به پندنامه‌ی عطار معروف است و این شهرت را نمی توان از آن سلب کرد. (سجّادی، ۱۳۷۵: ۲۷۱)

فؤاد رحمانی، مصحح الهینامه، پندنامه را قطعاً از عطار می داند و می نویسد:

عطار آثار زیادی از خود به جای گذاشته، ولی صحت انتساب بعضی از کتاب ها به وی جداً مورد تردید است. علاوه بر تذکره الاولیا که به نثر بسیار شیوا و دلپذیر نوشته شده، هشت منظومه مسلماً از اوست: الهی نامه، منطق الطیر، مصیبت نامه، مختارنامه، پندنامه، خسرونامه و

دیوان اشعار. همچنین می‌گوید: به عقیده‌ی آقای سعید نفیسی یک عطار کاذب از اهل تون، در حدود دو قرن پس از عطار واقعی می‌زیسته است. ایشان درباره‌ی وی چنین می‌نویسد: در نظر من چون آفتاب روشن است که مردی در قرن نهم بوده است از مردم تون، که دلش می‌خواسته به شاعری و پیشوایی فکری کارش در جهان بگیرد. نخست تخلص خود را عطار و لقبش را فریدالدین گذاشته و از فریدالدین عطار نیشابوری، این مردی که زبان ملکوتی و بیان آسمانی او در جهان جان و دل حکمرانی خواهد کرد اسرارنامه، الهی نامه، مصیبت نامه، مختارنامه، تذکره الاولیا، جواهرنامه و شرح القلب را دزدیده، و چون خسرونامه و پندنامه و دیوان و منطق الطیر بسیار معروف بوده و همه کس میدانسته است از فریدالدین عطار نیشابوری است جرأت نکرده است آنها را هم بدزدد. سپس فؤاد رحمانی می‌افزاید: به نظر بنده نیز هر کس الهی نامه و اسرارنامه و منطق الطیر را خوانده و به معانی و الفاظ و سبک آنها آشنا باشد، بی هیچ اشکال فرضیه‌ی آقای سعید نفیسی را خواهد پذیرفت. (عطار، ۱۳۵۱: ده و یازده)

تقریباً از صد و پنجاه سال پیش، خاورشناسان اروپایی در این فکر بوده‌اند که آثار عطار را به جامعه‌ی غرب بشناسانند. در سال ۱۸۵۷ میلادی، ترجمه‌ی پندنامه و در سال ۱۸۷۵ میلادی، ترجمه‌ی منطق الطیر هر دو به زبان فرانسه، اولی به وسیله‌ی سیلوستر دوساسی<sup>۱</sup> و دومی به وسیله‌ی گارسن دوتاسی<sup>۲</sup> در پاریس منتشر شد. (همان: یک)

هرمان اته نیز می‌نویسد:

یکی دیگر از مثنوی‌های عطار که به مناسبت هدف پندآزمایی بیشتر مقبولیت عامه دارد، ولی از لحاظ فن شعر به آن نمیرسد، پندنامه است که آن را باید یک گنجینه‌ی واقعی تعلیم اخلاقی محسوب داشت. (اته، ۱۳۵۵: ۱۵۶)

برخی دیگر نیز چون دکتر اسماعیل حاکمی، بدیع الزمان فروزانفر و شارل هانری دو فوشه

1-Silvester de Sacy

2-Garcin de Tassy

کور<sup>۱</sup> صحت انتساب پندنامه به عطار را مورد تأمل قرار داده اند.

دکتر اسماعیل حاکمی در مقاله ای با عنوان «مروری بر پندنامه‌ی عطار» آثار وی را به سه دسته تقسیم می‌کند: دسته‌ی نخست- آثاری که در صحت انتساب آنها به عطار جای تردیدی نیست، از قبیل منطق الطیر، الهی نامه، اسرارنامه، مصیبت نامه، خسرونامه، مختارنامه، تذکره الاولیا و دیوان اشعار. دسته‌ی دوم- آثاری که از فریدالدین عطار نیشابوری معروف به شیخ عطار نیست و از عطار دیگری می‌باشد، مانند: حلاج نامه (هیلاج نامه)، بیسرنامه، مظهرالعجایب و لسان الغیب. دسته سوم- آثاری که انتساب قطعی آنها به عطار مورد تأمل است و از جمله‌ی آنها پندنامه می‌باشد. (حاکمی، ۱۳۷۵: ۸۸-۸۹)

استاد بدیع الزمان فروزانفر این مثنوی را جزو آثاری شمرده اند که انتساب قطعی آن به شیخ فریدالدین عطار مورد تأمل است. وی می‌نویسد:

آثار مسلم عطار همانهاست که در مقدمه‌ی خسرونامه و مختارنامه آنها را ذکر کرده است. شیخ در مقدمه‌ی مختارنامه می‌گوید: «التماس کردند که چون سلطنت خسرونامه در عالم ظاهر گشت، و اسرارنامه در جهان منکشف شد و زبان مرغان مقامات طیور ناطقه‌ی ارواح را به محل کشف رسانید، مصیبت مصیبت نامه از حد و غایت درگذشت، دیوان ساختن تمام داشته آمد و جواهرنامه و شرح القلب که هر دو منظوم بودند از سر سودا که بود حرف علتی بدو راه نیافت». پس شیخ هشت اثر منظوم از خود یاد می‌کند و الهینامه را نمی‌آورد، ولی در مقدمه‌ی خسرونامه نام آن مثنوی نیز هست:

الهی نامه گنج خسروان است  
 بهشت اهل دل مختارنامه است  
 که مرغ عشق را معراج جان است  
 ز طرز او که و مه با نصیب است  
 همه مختارنامه از رباعی...  
 ز شرح‌القلب من جان در میان داشت

مصیبت نامه زاد رهروان است  
 جهان معرفت اسرارنامه است  
 مقامات طیور ما چنان است  
 چو خسرونامه را طرزی عجیب است  
 ز شعرم یاد داشت آن یار داعی  
 جواهرنامه‌ی من بر زبان داشت

و بنابراین عطار نه اثر منظوم از خود برمی شمارد، و چون تذکره الاولیا را بر این عده بیفزاییم، آنچه زاده‌ی طبع و ریخته‌ی خامه‌ی سحرکار اوست، از ده کتاب نمی گذرد. از جواهرنامه و شرح‌القلب هنوز نشانی پدید نیست و بنابراین تنها هشت اثر منظوم و منثور از شیخ ما باقی مانده است و بقیه کتب که بدو نسبت می دهند یا به طور قطع از او نیست، یا آنکه در معرض شک است مانند پندنامه که نگارنده در انتساب آن به عطار متردد خاطر است. (فروزانفر، ۱۳۵۳: ۷۵-۷۶)

شارل هنری دو فوشه کور در بخشی از کتاب خود که به متون متأخر با سبک قدیم اختصاص داده است، می نویسد:

در اینجا باید از پندنامه‌ی عطار که هلموت ریتز اصلتش را بسیار محتمل دانسته است ذکری به میان آید. از ترجمه‌های این متن کوتاه نیز پیداست که در ادبیات فارسی متأخر بسیار محبوب بوده است. این اثر، مثنوی شیوایی است که به بخش‌های مشخص تقسیم و در هر یک از آنها موضوعی به صورت اندرز مطرح شده است و به این ترتیب این اثر بدون نظم خاص، تصویر ساده‌ای از زندگی اخلاقی ارائه داده است. از طراوت آن پیداست که تجلی‌گاه آرمان‌های یک جامعه در طی چندین نسل بوده، و در پرورش اخلاقی نسلی پس از نسل دیگر نقشی داشته است. از این دیدگاه این متن حائز اهمیت است، اما تعیین تاریخ آن با اشکال

روبروست. تا آنجا که نگارنده می‌داند هیچ یک از نسخه‌های خطی کلیات عطار، تا قبل از قرن یازدهم/ هفدهم م. حاوی این پندنامه نیست، به عبارت دیگر پیش از این دوره، کاتبان این اثر را جزو نوشته‌های عطار محسوب نمی‌کرده‌اند. از سوی دیگر هیچ نسخه‌ی مستقلی از پندنامه تا قبل از قرن نهم/ پانزدهم م. موجود نیست، و این نکته در مورد متنی چنین پراهمیت عجیب است. عطار چندین بار از آثار خود نام برده، اما هرگز از پندنامه تحت این عنوان یا عنوانی دیگر یاد نکرده است. به احتمال زیاد تا اوایل قرن نهم/ پانزدهم م. پندنامه شناخته شده نبوده است. در قرن یازدهم/ هفدهم م.، کاتب چلبی پندنامه را به عطار همدانی، و نه نیشابوری نسبت داده، اما سال وفات نویسنده را ۶۲۷/۱۲۲۹ م. نوشته است. گویا وی سه عطار مختلف را با هم درآمیخته است که هر سه محمد بن ابراهیم نام داشته و دوتایشان از نیشابور بوده‌اند. نکته‌ی آخر این که با اتکا به نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی پاریس (ضمیمه‌ی فارسی، شماره‌ی ۱۳۹۸، مورخ ۱۴۵۶/۸۶۱) به نظر می‌رسد که پندنامه اثر عطار بزرگ نباشد، بلکه پس از وفات مولانا جلال الدین (۶۷۲/۱۲۷۳ م.) و به گواهی نسخه‌های خطی، حتی پس از قرن نهم/ پانزدهم م.، نوشته شده است. (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۱۷۷-۱۷۹)

احمد سهیلی خوانساری و دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی نیز انتساب پندنامه به عطار را مورد تکذیب قرار داده‌اند. سهیلی خوانساری در مقدمه‌ی خسرونامه‌ی عطار که به اهتمام وی به چاپ رسیده است می‌نویسد:

دولت‌شاه و اکثر تذکره‌نویسان به غیر از دیوان قصاید و غزلیات، چهل و نه کتاب، بی‌آن که اسامی تمامی آنها را بنگارند به او نسبت داده‌اند، و چهل و نه کتاب را برمی‌شمارد که پندنامه جزو آنهاست، و آنها را در شمار کتاب‌هایی معرفی می‌کند که به نام عطار مشهور شده‌اند. (عطار، بی‌تا: پنجاه و شش). سپس می‌نویسد: مثنویاتی که به نام شیخ ساخته شده و نگاشته‌ایم، به غیر از منطق الطیر، خسرونامه، الهی‌نامه، اسرارنامه، مختارنامه و مصیبت‌نامه که خود نام می‌برد، بقیه را باید مجعول و ساختگی شمرد، زیرا طرز کلام و سبک گفتار



آنها با سخن شیخ تفاوت فاحش دارد، فقط در میان این آثار، پندنامه تا اندازه ای به سخن وی می ماند. (همان: پنجاه و نه).

دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، مصحح منطق الطیر در مقدمه‌ی این کتاب می نویسد: جز منظومه های منطق الطیر، الهی نامه، اسرارنامه، مصیبت نامه، دیوان، مختارنامه و تذکره الاولیا، هیچ اثر دیگری از عطار نیست و تمام منظومه های ناتندرستی که به اسم بلبل نامه، بیسرنامه، حیدری نامه، پندنامه، جواهرالذات و... وجود دارد و بعضی از آنها مانند پندنامه متأسفانه بارها به نام او نشر یافته، هیچکدام از آثار او نیست. پندنامه شاید در مجموع معروفترین اثر منسوب به عطار باشد که از قرن نهم به بعد در کتابشناسی ها دیده می شود، و در طول قرون بر شمار نسخه ها و شروح آن افزوده شده است. هیچ یک از آثار اصیل و مجعول منسوب به عطار، به اندازه‌ی پندنامه، در قلمرو تمدن اسلامی شیوع و انتشار نداشته است. (عطار، ۱۳۸۳: ۳۷)

### ◆ ویژگی های سبکی پندنامه

پندنامه از نظر مضمون و قالب شعری به منطق الطیر شباهت زیادی دارد. این دو منظومه در بحر رمل مسدس مقصور یا مخذوف و در قالب مثنوی سروده شده اند. ویژگی های سبکی آثار عطار از سوی محققانی چند مورد بررسی قرار گرفته است.

دکتر احمد ذاکری در مقاله ای با عنوان «پاره ای ویژگی های سبکی منطق الطیر» می نویسد: عطار در «دوره‌ی تحوّل از زبان کهنه‌ی خراسانی به زبان نو عراقی» یا در دوره‌ی «برزخ» قرار دارد. بنابراین در زبان او دیرینگی زبان فارسی از سویی، و تجدّد و نوگرایی از سوی دیگر به چشم می آید. برای نمونه با آن که عطار زبان سهل و ممتنع و روان چون زبان رودکی، فرّخی و فردوسی دارد، افعال کهنه، نیشابوری و پیشوندی که بیشتر با پیشوندهای «در»، «بر» و «فرو» ترکیب یافته اند، در زبان او بسامدی چشمگیر دارند. (ذاکری، ۱۳۷۵: ۱۲۹) از لحاظ قواعد سبکی و دستوری زبان فارسی، ویژگی های کاربرد پیشینیان در پندنامه‌ی منسوب به عطار به طور

کامل مشهود است و مقایسه‌ی ساختارهای کلامی پندنامه با آثار قطعی عطار، مشابهت‌های کاملی را نمایان می‌سازد. به رغم اظهار کسانی که عقیده دارند این منظومه پس از قرن نهم سروده شده است، این مثنوی همه‌ی ویژگی‌های دوره‌ی تحوّل از زبان کهنه‌ی خراسانی به زبان نو عراقی را داراست، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### ◆ فراوانی افعال پیشوندی

افعالی که با پیشوندهای در، بر، وا، فرو و غیره ترکیب شده اند در پندنامه به وفور یافت می‌شوند، مثال:

آنکه اعداد را به دریا درکشید      ناقه را از سنگ خارا برکشید

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳، بیت ۷)

هر که خشم خود فرو خورد ای جوان      باشد او از رستگاران جهان

(همان، بیت ۵۴)

عیب کس را وا نمی باید نمود      زآنکه نبود هیچ لحمی بی غدود

(همان، بیت ۵۰۲)

### ◆ کاربرد فعل به صورت وجه مصدری

استعمال وجه مصدری و مصدر مرخّم تا قرن هشتم معمول بوده و این نکته نشان می‌دهد که پندنامه پیش از قرن هشتم سروده شده است. در این مقوله مانند زبان‌های اروپایی و عربی، فعل دوم (فعل تابع) به صورت مصدر می‌آید. این امر به ویژه در مواردی که فعل نخست از مصادر خواستن، توانستن و شایستن بود رواج داشت، مانند:

بنده را گر نیست در کاری رضا

کی تواند بازگرداندن قضا

(همان، بیت ۳۴۵)

هر که مهمانت شود از خاص و عام

پیش او می باید آوردن طعام

(همان، بیت ۵۹۵)

گر غنا خواهد کسی از ذوالمنن

در قناعت می توانش یافتن

(همان، بیت ۲۸۴)

دشمن خود را نباید زد تبر

گر توانی کشت او را با شکر

(همان، بیت ۳۴۰)

#### ◆ افعال کهنه

کاربرد افعال کهنه ای که امروز دیگر در زبان به کار نمی روند و یا اگر دیده شوند به شکل

اسم یا صفت اند، در پندنامه مشهود است:

طرفه العینی جهان بر هم زند

کس نمی یارد که آنجا دم زند

(همان، بیت ۱۹)

می سزد گر عمر را داری عزیز

چون رود پیشش نخواهی دید نیز

(همان، بیت ۴۰۶)

و یا کاربرد افعالی که امروزه در معنای دیگری به کار می روند، مانند پرسیدن به معنی

عیادت کردن:

رو به پرسیدن بر خویشان خویش

تا که گردد مدت عمر تو بیش

(همان، بیت ۸۰۵)

### ◆ کاربرد جزء پیشین «می» و جزء پیشین و پسین «همی» در فعل

جزء پیشین «می» و جزء پیشین و پسین «همی» برای بیان مفهوم استمرار و تکرار بر سر فعل و یا پس از آن می آیند. در پندنامه این دو جزء گاهی بر سر فعل منفی، گاهی بر سر فعل مؤکد به «ب»، گاه با فاصله و گاه بی فاصله می آیند، که نشان دهنده‌ی کهنگی و قدمت زبان، و ویژگی مربوط به سبک خراسانی (ترکستانی)، و آغاز شعر و نثر فارسی دری است. (ذاکری، ۱۳۷۵: ۱۲۹)

«می» بر سر فعل مؤکد به «ب» تأکید:

نیست حاصل رنج دنیا بردنت      عاقبت چون می بیاید مردنت

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳، بیت ۱۴۲)

«می» بر سر فعل منفی:

می نجوید مرد انصاف از کسی      گر رسد ظلم و جفا بر او بسی

(همان، بیت ۸۱۷)

### ◆ کاربرد «همی» قبل و پس از فعل

عطار مانند همه‌ی سرایندهگان سبک خراسانی «همی» را به اشکال مختلف بر سر فعل مثبت و منفی، با فاصله و بی فاصله، و گاه پس از فعل می آورد. این ویژگی به علت فراوانی کاربرد می تواند یکی از ویژگی های سبکی عطار به شمار آید و در پندنامه نیز مشهود است:

گر همی خواهی که گویندت نکو      ای برادر هیچ کس را بد مگو

(همان، بیت ۴۳۱)

هر که او بر خلق بخشاید همی      بی شک آب روی افزایش همی

(همان، بیت ۴۷۲)

کاربرد جزء پیشین «می» به جای «ب» بر سر افعال امر و نهی که معنی استمرار ندارند، بلکه تأکید بر فرمان دارند:

تا دهندهت جای در دارالسلام با فقیران روز و شب می ده طعام

(همان، بیت ۸۴۶)

چار چیز از چار دیگر شد تمام چون شنیدی یاد می دار ای غلام

(همان، بیت ۳۶۴)

### ◆ به کار گرفتن «ب» تأکید بر سر فعل

این ویژگی زبانی عطار که در پندنامه نیز مشاهده می شود، پیشینه ای دراز در سبک خراسانی دارد که به این پدیده «افزایش» نیز می گویند، مانند:

کام نفس بد برآوردن خطاست زانکه دشمن را بپروردن خطاست

(همان، بیت ۲۳۶)

هر که باشد تلخ گوی و تندخوی دوستان از وی بگردانند روی

(همان، بیت ۱۲۳)

### ◆ استفاده از حرف نشانه «را» به روش گذشتگان

شاعر در پندنامه نیز به روش گذشتگان از حرف نشانه‌ی «را» سود می جوید و آن را گاه برای فاعل، گاه برای مسندالیه، گاه برای متمم فعل، یا برای فک اضافه و مفعول به کار می‌برد.

جمله را چون هست بر دوزخ گذر جای شادی نیست با چندین خطر

(همان، بیت ۸۹۴)

شادی دنیا سراسر غم بود سور او را در عقب ماتم بود

(همان، بیت ۷۵۲)

زانکه پاکان را همین بودست کار

لب مجنبن جز به ذکر کردگار

(همان، بیت ۳۳۳)

این سخن دارم ز استادان سبق

شادمانی را ندارد دوست حق

(همان، بیت ۷۵۴)

مر بخیلان را مروّت کم بود

توبه‌ی بدخو کجا محکم بود

(همان، بیت ۸۵۷)

مهرانگیز نوبهار در مقاله ای با عنوان «ویژگی های زبان شناختی سبک شعر عطار»، اشعار او را مورد بررسی قرار داده و در بخش نحو به ویژگی هایی چون هنجارمندی اشاره کرده و می نویسد:

در شعر عطار با کمترین عناصر صوری، کاملترین پیام های محتوایی القا می شود، و در واقع عطار یکی از شاعران استثنائی است که در شعر او واژه‌های به اصطلاح «پوشال شعری» که کاربرد آنها به ضرورت وزن و تساوی مصراع ها اجتناب ناپذیر مینماید جایگاه چندانی ندارد. (نوبهار، ۱۳۷۵: ۵۰۱)

با بررسی نحوی اشعار عطار، شعر او را به زبان نثر نزدیکتر می یابیم. این ویژگی در پندنامه نیز جلوه می کند. ساخت اشعار او به استانداردهای ساختاری زبان نثر نزدیک است، و این ویژگی شعر او را از دیگر بزرگان ادب فارسی آن دوران متمایز می سازد. هر چند رعایت محدودیت‌های وزنی، ترتیب قراردادهای ساختاری جمله را در اشعار عطار در هم می ریزد و شعرش را خواه ناخواه از شکل مرسوم نثری خارج می کند، ولی وی توانسته است هنجارمندی شعر خود را با رعایت موازین دستوری نثر حفظ کند و برخلاف دیگر شعرا که سبکی هنجارگریز دارند، هنجارگزینی یکی از ویژگی های سبکی عطار است. اشعار پندنامه نیز هنجارمند و به زبان نثر نزدیکتر است. غالب اشعار مردّف است و در بیشتر آنها نیز یک «فعل‌واژه» در جایگاه

ردیف قرار گرفته است، مانند:

کس نمی یارد که آنجا دم زند

طرفه العینی جهان بر هم زند

بندگان را دولت و شاهی دهد

آنکه با مرغ هوا ماهی دهد

طفل را در مهد گویا او کند

بی پدر فرزند پیدا او کند

این به جز حق دیگری کی می کند

مرده‌ی صد ساله را حی می کند

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳، بیت ۱۹ تا ۲۲)

سپس نوبهار در بخش عناصر واژگانی شعر عطار، به شماری از مهمترین عناصر سبکی شعر

او اشاره و آنها را به صورت روش‌هایی جداگانه طبقه‌بندی می‌کند که عبارتند از:

۱. گسترش: فرایندی است که طی آن یک ویژگی دستوری یا معنایی که منحصر به یک

عناصر واژگانی است، به عناصر دیگری که دارای آن ویژگی نبوده‌اند تحمیل می‌شود. ویژگی

گسترش در شعر عطار فعل‌ها و حروف را در بر می‌گیرد:

۱-۱. گسترش افعال: کاربرد برخی از افعال در جنبه‌ی معنایی، به جای افعال دیگر عمده‌ترین

ویژگی سبکی شعر عطار است. در این مقوله، افعال تام در جایگاه افعال ربطی و نیز در جایگاه

دیگر افعال تام قرار می‌گیرند. یکی از این افعال تام «آمدن» است که در پندنامه در جایگاه

فعل ربطی قرار می‌گیرد:

نیست بد اصلی سزای تاج و تخت

اصل پاک آمد دلیل نیکبخت

(همان، بیت ۱۴۰)

با تو گویم تا بیایی آگهی

چارچیز آمد نشان ابلهی

(همان، بیت ۲۶۵)

دیگر فعل «ماندن» است که در پندنامه در جایگاه فعل ربطی به کار رفته است:

ماند تنها هر که استخفاف کرد

چون سؤال آورد گردد خوا رمرد

(همان، بیت ۴۱۹)

از ملامت تا بمانی در امان

باش دایم همنشین زیرکان

(همان، بیت ۵۲۴)

همچنین افعال تامی چون «گرفتن» در جایگاه افعال تام دیگری قرار می گیرند:

دانش مرد از خرد گیرد کمال

از عمل دینت همی یابد جمال

(همان، بیت ۳۸۹)

۲-۱. گسترش حروف: در کاربرد عطار برخی از پیوندها و نقش نماها را با گسترش

چشمگیری می بینیم، مانند «تا» که علاوه بر جایگاه اصلی خود به جای پیوند منفرد «که» به کار رفته است:

هر که خواهد تا سلامت ماند او

از جمیع خلق رو گرداند او

(همان، بیت ۶۴)

باش ای بنده خدا را دوستدار

تا شوی تو از عذابش در کنار

(همان، بیت ۱۰۵)

همچنین حرف اضافه «با» در موارد بی شماری به جای «به» به کار رفته است:

با سلیمان داد ملک و سروری

شد مطیع خاتمش دیو و پری

(همان، بیت ۹)

با چه ماند این جهان گویم جواب

آنکه بیند آدمی چیزی به خواب

(همان، بیت ۵۹۶)

۲. جانشین سازی فعل امر حاضر برای فعل امر غایب: در کاربرد عطار برای فعل امر

غایب، «بگو بیاید» جمله‌ی مرکب «بگو بیا» را به کار می برد، که در آن بخش پیرو، یک

فعل امر مستقیم است نه فعل مضارع التزامی، یعنی امر غیرمستقیم، که این گونه جانشینی به

علت فراوانی کاربرد، می تواند یکی از ویژگی های عمده‌ی سبکی عطار به شمار آید. (نوبهار،



زیر پهلو جامه خوبت گو مباش

در برت گو کسوت نیکو مباش

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳، بیت ۱۷۴)

۳. تکرار برای تأکید: یکی دیگر از ویژگی های کاربردی پیشینیان و یکی از جنبه های موسیقایی شعر عطار کاربرد ویژه صورت های تکراری - تأکیدی برخی از عناصر جمله است. عنصر تکرار شده به جای یک جمله ی محذوف آمده است. این ویژگی را در پندنامه به فراوانی می یابیم:

استماع علم کن ز اهل علوم

دست را بر رخ زدن شوم است شوم

(همان، بیت ۷۶۷)

تا بیابی از پس شدت رخا

در سخا کوش ای برادر در سخا

(همان، بیت ۷۱۳)

۴. متناقض نمایی: متناقض نما یا پارادوکس بیان یا عقیده ای متناقض با اعتقاد و اندیشه ی پذیرفته شده و اغلب همراه با دلالت ضمنی ناخوشایند است، چنانکه با حقیقت اثبات شده سازگاری دارد، و از این رو نادرست و خیالی، و گاهی همراه با دلالتی مطلوب به منزله ی تصحیح خطایی عام است. متناقض نما اغلب برای قضیه یا بیانی به کار می رود که عملاً در تناقض با عقل یا حقیقت محقق بوده و بنابراین اساساً مهمل و کاذب است. امیر چناری در مقاله ای با عنوان «متناقض نمایی در غزل های عطار» به بررسی این امر پرداخته و متناقض نمایی را یکی از ویژگی های سبکی مهم و اصلی آثار عطار دانسته است. (چناری، ۱۳۷۵: ۸۴-۸۵)

این ویژگی در پندنامه نیز به فراوانی نمایان می شود:

گر توانی کشت او را با شکر

دشمن خود را نباید زد تبر

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۳۴۰)

تلخ باشد وز شکر شیرین تر است

خشم خوردن پیشه ی هر سرور است

### ◆ مفاهیم و مضامین مشترک پندنامه و آثار عطار

پندنامه با حمد و ستایش باری تعالی آغاز می شود، و شاعر با اشاره به داستان عالی مرتبه ترین انسان ها، پیامبران، بر کمال قدرت حق تأکید می کند. در مقدمه‌ی این مثنوی، همانند منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و دیگر آثار شیخ فرید الدین عطار، تلمیحات مذهبی به وضوح مشاهده می شود. اشاره به داستان طوفان نوح، سرگذشت قوم عاد، داود و سلیمان و ایوب و عیسی و دیگر پیامبران، و نیز تأثیر آیات قرآنی و احادیث نیز در آن مشاهده می گردد. بررسی اشارات مشترک در پندنامه و آثار یاد شده در بالا، نفوذ و تأثیر اندیشه‌ی عطار را در پندنامه نشان می دهد، مانند:

### ◆ اشاره به داستان ایوب پیامبر و کرم افتادن در بدنش:

چو ایوب طیب عشق دیده / تن از کرمان سوی کلبه کشیده

(عطار، ۱۳۵۱: بیت ۳۸۶)

باز ایوب ستمگر را نگر / مانده در کرمان و گرگان پیش در

(عطار، ۱۳۴۸: بیت ۲۷)

از تن صابر به کرمان قوت داد / هم ز یونس لقمه ای با حوت داد

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۱۰)

اشاره به داستان داود پیغمبر و زره گری او که جزو معجزاتش شمرده شده است:

باز داود زره گر را نگر / موم کرده آهن از تفّ جگر

(عطار، ۱۳۴۸: بیت ۳۰)

چون عنایت قادر قیوم کرد / در کف داود آهن موم کرد

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۸)

اشاره به قصه‌ی یونس و ماندن او در شکم ماهی:

باز یونس را نگر گم گشته راه / آمده از مه به ماهی چند گاه

(عطار، ۱۳۴۸: بیت ۲۸)

ذات یونس را چو سرّ حوت داد / در درون بطن حوتش قوت داد

(عطار، ۱۳۳۸: ۳)

از تن صابر به کرمان قوت داد / هم ز یونس لقمه ای با حوت داد

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۱۰)

#### ◆ اشاره به قصه‌ی صالح و پدیدار شدن ناقه از صخره به فرمان پروردگار:

ناقه از سنگی پدیدار آورد / گاو زر در ناله‌ی زار آورد

(عطار، ۱۳۴۸: بیت ۱۰۲)

آنکه اعداد را به دریا درکشید / ناقه را از سنگ خارا برکشید

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۷)

اشاره به پنهان شدن زکریا در تنه‌ی درخت و ازّه کردن درخت توسط یهودیان:

باز آن را بین که دل پر جوش شد / ازّه بر سر دم نزد خاموش شد

(عطار، ۱۳۴۸: بیت ۳۲)

آن یکی را ازّه بر سر می کشد / دیگری را تاج بر سر می نهد

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۱۱)

زنده کردن مرده:

مرده را از زنده پیدا آورد / زنده از صحرا آورد

(عطار، ۱۳۷۳: ۲)

مرده‌ی صد ساله را حی می کند / این به جز حق دیگری کی می کند

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۲۴)

اشاره به برتر بودن مقام پیامبر اسلام و ختم نبوت:

سابق و آخر به یک جا هم تویی

هم پس و هم پیش از عالم تویی

(عطار، ۱۳۴۸: بیت ۳۸۴)

که از پس آمد و از پیش بود او

ز جمله انبیا زان بیش بود او

(عطار، ۱۳۵۱: بیت ۱۳۴)

آخر آمد بود و فخرالاولین

سید الکونین ختم المرسلین

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۲۷)

اشاره به ناپایداری و بی حاصلی دنیا:

دو گز کرباس و ده خشت است همراه

ترا گر خود گدایی ور شهنشاه

(عطار، ۱۳۵۱: بیت ۵۷)

نه گزی کرباس و سه گز از زمین

حاصل از دنیا چه باشد ای امین

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۶۹۸)

راضی بودن به رضای پروردگار:

تو خواهی بخش خواهی ران تو دانی

الهی گر ببخشی گر برانی

(عطار، ۱۳۵۱: ۳۱۳)

هر چه حکم تست از آن خرسنده ایم

گر بخوانی ور برانی بنده ایم

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۹۰۸)

آفریده شدن انسان از مثنی خاک:

گی بر کل کون و کان گزیدی

ز مثنی خاک ما را آفریدی

(عطار، ۱۳۵۱: بیت ۳۰۵)

کو خلاق داد مثنی خاک را

حمد پاک از جان پاک آن پاک را

(عطار، ۱۳۲۸: بیت ۱۱)

آنکه ایمان داد مشت‌ی خاک را

دمی بی ماتمی سوری نداد

سور او را در عقب ماتم بود

صد هزاران شوی هر روزی بکشت

هر نفس آهنگ صد شوهر کند

در دو روزی شوی دیگر خواسته است

پشت بر وی کرد و دادش سه طلاق

پس هلاک از زخم دندان می کند

حمد بی حدّ مرخدای پاک را

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۱)

همراه بودن سور و ماتم:

جهان بی وفا نوری نداد

(عطار، ۱۳۵۱: بیت ۶۵)

شادی دنیا سراسر غم بود

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۷۵۲)

تشبیه دنیا به پیرزنی آراسته:

هست دنیا گنده پیری گوژپشت

هر زمان گلگونه‌ی دیگر کند

(عطار، ۱۳۳۸: بیت ۱۴۶)

زال دنیا چون عروس آراسته است

مقبل آن مردی که شد زین جفت طاق

لب به پیش شوی خندان می کند

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۱۳۶-۱۳۸)

#### ◆ بیت‌های همانند یا مشابه

یکی از ادبیات پندنامه عیناً در منطق الطیر تکرار شده است:

کرد قوم لوط را زیر و زیر

کرد قوم لوط را زیر و زیر

آن خداوندی که هنگام سحر

(عطار، ۱۳۴۱: بیت ۱۱)

آن خداوندی که هنگام سحر

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۵)

\* \* \* \* \*

کو خلافت داد مستی خاک را  
آنکه جان بخشید و ایمان خاک را

آنکه ایمان داد مستی خاک را

در همه چیز از همه برده سبق

در همه چیز از همه برده سبق

هم تو می باشی مرا فریادرس

همره جانم تو باش آخر نفس

همدم من تا ابد یاد تو بس

با که سازد؟ اینت سودا و هوس

کان دمم جز تو نخواهد بود کس

من ندارم در دو عالم جز تو کس

حمد پاک از جان پاک آن پاک را

(عطار، ۱۳۷۳: ۱)

آفرین جان آفرین پاک را

(عطار، ۱۳۴۸: بیت ۱)

حمد بی حد مر خدای پاک را

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۱)

صدر دین صدیق اکبر قطب حق

(عطار، ۱۳۴۸: بیت ۴۲۸)

احمد حنبل که بود او مرد حق

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۴۲)

\* \* \* \* \*

چون ندارم در دو عالم جز تو کس

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۹۱۸)

چون برآید جان ندارم جز تو کس

(عطار، ۱۳۸۳: بیت ۱۹۵)

گر من بی کس ندارم هیچ کس

(عطار، ۱۳۳۸: بیت ۱۵)

چون جز او در هر دو عالم نیست کس

(عطار، ۱۳۴۸: بیت ۱۸۹)

یارب آن دم یاریم ده یک نفس

(همان: بیت ۴۷۰۳)

بی کسان را کس تویی در هر نفس

(همان: بیت ۳۸۸)

\* \* \* \* \*

همچو خورشید سبک رو فرد باش

صبر کن مردانه وار و مرد باش

(همان: بیت ۱۴۰۷)

رو مجرد باش و دایم فرد باش

تا به هر فرقی نشینی گرد باش

(پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۸۲۰)

\* \* \* \* \*

ابلق بیهودگی چندین مناز

در غرور و خواجگی چندین مناز

(عطار، ۱۳۴۸: بیت ۲۱۹۱)

از سرای و قصر خود چندین مناز

رخش کبر از سرکشی چندین مناز

(همان: بیت ۲۱۷۰)

در ره فسق و هوا مرکب مناز

خویشتن را سخره‌ی شیطان مساز

(پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۸۹۰)

\* \* \* \* \*

همچو ایشان جای فشانی پیشه گیر

یا خموش و ترک این اندیشه گیر

(عطار، ۱۳۴۸: بیت ۵۷۸)

تا نسوزی سازگاری پیشه گیر

از عذاب و قهر حق اندیشه گیر

(پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۸۹۳)

\* \* \* \* \*

سالها در بحر و بر می گشته ام

پای اندر ره به سر می گشته ام

(عطار، ۱۳۴۸: بیت ۷۰۴)

سالها در بند عصیان گشته ایم

آخر از کرده پشیمان گشته ایم

(پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۴۶)

Archive of SID

\* \* \* \* \*

نور مطلق گشت اگرچه خاک شد

هر که او از دار دنیا پاک شد

(عطار، ۱۳۳۸: بیت ۱۴۵)

بی گمان از وی خدا بیزار شد

هر که او از حرص، دنیا دار شد

پندنامه (عطار، ۱۳۷۳: بیت ۲۳۰)

\* \* \* \* \*

## ◆ نتیجه

بررسی ویژگی های سبکی پندنامه نشان می دهد که این مثنوی به رغم نظر برخی از محققان، پیش از قرن نهم سروده شده است و همه ی مختصات دوره ی تحوّل را داراست. مقایسه ی ساختارهای کلامی پندنامه با آثار منظوم عطار مشابَهت های کاملی را نمایانگر می سازد.

بررسی مفاهیم و مضامین و اشارات مشترک در پندنامه و آثار یادشده ی عطار، نفوذ و تأثیر اندیشه ی عطار در پندنامه را می نمایاند.

وجود ابیات همانند و مقایسه ی ابیات مشابه به مثنوی های عطار با پندنامه، گامی است فراتر در صحت انتساب این منظومه به شیخ فریدالدین عطار نیشابوری.



## .. کتابنامه ..

۱. اته، هرمان. ۱۳۵۵. تاریخ ادبیات فارسی. ترجمه و حواشی دکتر رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. چناری، امیر. مهر ۱۳۷۵. «متناقض نمایی در غزل های عطار»، سایه در خورشید (مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری، مهر ۱۳۷۴ نیشابور)، ج ۲، تهران: انجمن آثار ملی.
۳. حاکمی، اسماعیل. مهر ۱۳۷۵. «مروری بر پندنامه‌ی عطار»، سایه در خورشید، (مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری، مهر ۱۳۷۴ نیشابور)، ج ۲، تهران: انجمن آثار ملی.
۴. ذاکری، احمد. مهر ۱۳۷۵. «پاره‌ای از ویژگی‌های سبکی منطق الطیر»، سایه در خورشید، (مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری، مهر ۱۳۷۴ نیشابور)، ج ۲، تهران: انجمن آثار ملی.
۵. سجّادی، سید ضیاءالدین، مهر ۱۳۷۵. «پندنامه‌ی عطار و چند اثر منسوب به او»، سایه در خورشید، (مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری، مهر ۱۳۷۴ نیشابور)، ج ۲، تهران: انجمن آثار ملی.
۶. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. ۱۳۵۱. الهی نامه. تصحیح فوآد رحمانی. تهران: زوار.
۷. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. ۱۳۷۳. پندنامه. تصحیح سیلستر دوساسی. ترجمه ع. روح بخشان. تهران: اساطیر.
۸. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. بی تا. خسرونامه. به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری. تهران: انجمن آثار ملی.
۹. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. ۱۳۳۸. مصیبت نامه. به اهتمام و تصحیح دکتر نورانی

۱۰. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. ۱۳۴۱. منطق الطیر. به اهتمام محمدجواد مشکور. تهران: کتابفروشی تهران.
۱۱. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. ۱۳۴۸. منطق الطیر. به اهتمام دکتر سیاً صادق گوهرین. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۲. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. ۱۳۸۳. منطق الطیر. تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
۱۳. فروزانفر، بدیع الزمان. بهمن ۱۳۵۳. شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمدعطار نیشابوری. ج ۲. تهران: دهخدا.
۱۴. فوشه کور، هانری دو. ۱۳۷۷. اخلاقیات (مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده‌ی سوم تا سده‌ی هفتم هجری). ترجمه‌ی محمد علی امیرمعزی و عبدالمحمد روح بخشان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران.
۱۵. نفیسی، سعید. ۱۳۲۰. جستجو در احوال و آثار فریدالدین عطار نیشابوری. تهران: اقبال.
۱۶. نوبهار، مهرانگیز. مهر ۱۳۷۵. «ویژگی های زبان شناختی سبک شعر عطار»، سایه در خورشید (مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری، مهرماه ۱۳۷۴، نیشابور)، ج ۲، تهران: انجمن آثار ملی.